

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران: مطالعه موردی

موج اول بازگشت به اقتدارگرایی

(۱۹۰۶-۱۹۱۳م)

علی ساعی*، مرضیه ابوذری لطف^۲

(دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۸ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۶)

چکیده

موضوع این مقاله مطالعه تطبیقی دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران از ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۳م است. مسئله پژوهش این است که دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران در مرحله دوم، گذار دموکراتیک، پرابلماتیک شده و در هر دو کشور تلاش‌های ناظر بر تغییرات دموکراتیک در دوره مورد مطالعه به ظهور اقتدارگرایی جدید منجر شده است. با ارائه شواهد تجربی استدلال شده است که ایران، بازگشت به اقتدارگرایی را در ۱۹۰۸م و ترکیه عثمانی در ۱۹۱۳م تجربه کرده است. مدل نظری پژوهش بر مبنای رویکرد عاملیت‌محور، فرموله شده است. ساختار منطقی این مدل دلالت بر آن دارد که دموکراتیزاسیون نتیجه نوع و کیفیت ترکیب سه شرط علی، عاملیت کنشگران سیاسی و کنشگران نظامی و کنشگران خارجی است. پژوهش حاضر با استفاده از روش تطبیقی تاریخی انجام شده است. شواهد تجربی این پژوهش دلالت بر آن دارد که بازگشت به اقتدارگرایی در ترکیه و ایران تحت شرایط ترکیب شروط علی استراتژی سرکوب‌گرایانه میان کنشگران سیاسی و مداخله خشونت‌آمیز نظامیان در فرایندهای سیاسی و نیز مداخله سیاسی - نظامی کنشگران خارجی در سیاست داخلی رخ داده است.

۱. دانشیار جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

*E-mail: saeia@modares.ac.ir

۲. دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

واژه‌های کلیدی: دموکراتیزاسیون، گذار دموکراتیک، بازگشت به اقتدارگرایی، کنشگران سیاسی، کنشگران نظامی و کنشگران خارجی.

بیان مسئله

موضوع این مقاله ناظر بر مطالعه تطبیقی دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران است. در این مطالعه، منظور از دموکراتیزاسیون فرایند تغییرات سیاسی معطوف به دموکراتیک‌سازی رژیم اقتدارگر است. به لحاظ نظری فرایند دموکراتیزاسیون متضمن سه مرحله است: ۱. شکست رژیم اقتدارگرا، ۲. گذار دموکراتیک، ۳. تثبیت دموکراتیک. مرحله اول به فروپاشی ساختارهای رژیم اقتدارگرا اشاره دارد. مرحله دوم متضمن تغییر و حرکت از ساختارها و فرایندهای اقتدارگرا به ساختارها و فرایندهای جدید و دموکراتیک است و مرحله سوم زمانی رخ می‌دهد که ساختار و فرایندهای جدید نهادینه شوند (ساعی، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷؛ Saei¹, 2020; Gill, 2000; Huntington, 1995). در این پژوهش این رویکرد نظری به مثابه یک معیار علمی برای تحلیل دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران مورد استفاده قرار گرفته است.

در خاورمیانه اولین تجربه دموکراتیزاسیون به نام مشروطه اول عثمانی در ۷ اکتبر ۱۸۷۶ در ترکیه در زمان عبدالحمید دوم رخ داد. اما بعد از مدت کوتاهی این کشور به اقتدارگرایی برگشت و به مدت ۳۰ سال عبدالحمید دوم حکومت اقتدارگرایانه را در کشور ترکیه بازتولید کرد. ایران دومین کشور خاورمیانه بود که در مرداد سال ۱۲۸۵ش/ ۱۹۰۶م موج اول دموکراتیزاسیون را با نام انقلاب مشروطه تجربه کرد. موج دوم دموکراتیزاسیون در ترکیه با عنوان مشروطه دوم عثمانی توسط ترکان جوان در سال ۱۹۰۸م رخ داد (شاو و شاو، ۱۳۷۰). در اثبات این مدعا باید گفت در ۲۳ جولای ۱۹۰۸ تحت فشار کمیته اتحاد و ترقی، نیروی‌های اجتماعی جدید و گروه‌های مخالف سیاسی و نظامی، سلطان عبدالحمید دوم پارلمان را که در قانون اساسی ۱۸۷۶ پیش‌بینی شده بود، احیا کرد و مجلس جدید در ژانویه ۱۹۰۹ گشایش یافت (شاو و شاو، ۱۳۷۰، ص. ۴۶۲؛ امامی خویی، ۱۳۹۵، ص. ۱۵۰؛ یاغی، ۱۳۸۳، ص. ۱۷۵؛ رابینسون، ۱۳۵۷، صص.

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران: مطالعه... _____ علی ساعی و همکار

۱۴-۱۵؛ انتخابی، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۱؛ Kayali, Ozbudunand Genckaya, 2009, P.8
(1995; Zurcher, 2004, P. 90).

در پرتو تئوری ما این عمل سلطان عبدالحمید دوم، آغازی برای تحقق مرحله اول فرایند دموکراتیزاسیون، شکست رژیم اقتدارگرا، محسوب می‌شود. در باب ایران شواهد نشان می‌دهد که مظفردالدین‌شاه در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ ش فرمان مشروطه را صادر و فرمان گشایش مجلس ملی مؤسسان را برای تدوین قانون انتخابات مجلس ملی امضا کرد. در ادامه مظفردالدین‌شاه قانون اساسی را در ۹ دی ۱۲۸۵ تأیید کرد (آبراهامیان، ۱۳۸۵، صص. ۷۴-۷۸). با صدور فرمان مشروطیت از سوی مظفردالدین‌شاه شکست رژیم اقتدارگرا و مرحله اول دموکراتیزاسیون در ایران در ۱۲۸۵ محقق شد. بنابراین این دو کشور مرحله اول دموکراتیزاسیون، شکست رژیم اقتدارگرا را تجربه کرده‌اند و وارد مرحله گذار دموکراتیک شده‌اند. در اینجا برای اثبات این مدعا چند مورد از شواهد تاریخی گذار دموکراتیک در ترکیه و ایران ارائه می‌شود.

مرحله گذار دموکراتیک در ترکیه عثمانی با تأسیس نهادها و فرایندهای زیر محقق شد: ۱. اصلاح ماده ۱۱۳ قانون اساسی مشروطه اول عثمانی ۱۸۷۶، در آگوست ۱۹۰۸؛ ۲. آزادی احزاب، مطبوعات و زندانیان سیاسی و برچیده شدن دادگاه‌های حکومت نظامی بر مبنای قوانین تنظیم شده در ۶ اوت ۱۹۰۸؛ ۳. برگزاری اولین انتخابات پارلمانی در دوره اول مشروطه دوم در ماه نوامبر و اوایل دسامبر ۱۹۰۸؛ ۴. افتتاح مجلس جدید در ۱۷ دسامبر ۱۹۰۸ (رک: ابوذری، ۱۳۹۸؛ Kayali, 1995; Shaw & Shaw, 2002).

مرحله گذار دموکراتیک در ایران با تأسیس نهادها و فرایندهای زیر محقق شد: ۱. گشایش و تأسیس مجلس ملی مؤسسان برای تدوین قانون انتخابات مجلس ملی؛ ۲. تدوین قانون انتخابات؛ ۳. ظهور مجلس ملی در مهر ۱۲۸۵ و تدوین قانون اساسی مشروطه؛ ۴. ظهور انجمن‌ها و اصناف و مطبوعات جدید؛ ۵. امضای قانون اساسی توسط مظفردالدین‌شاه در ۹ دی ۱۲۸۵؛ ۶. امضای متمم قانون اساسی توسط محمدعلی شاه در تاریخ ۱۵ مهر ۱۲۸۶ (رک: ساعی، ۱۳۹۷؛ ابوذری، ۱۳۹۸).

در اینجا باید گفت اگرچه مرحله دوم دموکراتیزاسیون، گذار دموکراتیک، در ایران و ترکیه با تأسیس و تحقق نهادهای دموکراتیک شروع شد، با این حال بعد از یک دوره

زمانی کوتاه، ادامه پیشرفت فرایند دموکراتیزاسیون در مرحله گذار دموکراتیک پرابلماتیک شده و در این دو کشور بازگشت به اقتدارگرایی رخ داده است. بنابراین مسئله این پژوهش ناظر بر موج اول بازگشت به اقتدارگرایی در ترکیه^۲ و ایران است. برای اثبات این مسئله می‌توان برخی شواهد تاریخی را ارائه کرد: تغییر قانون اساسی و افزایش اختیارات سلطان برای انحلال مجلس بر مبنای ماده ۳۵، انحلال مجلس توسط سلطان محمدرشاد پنجم در ژانویه ۱۹۱۲ و اوت ۱۹۱۲، اعلام حکومت نظامی، استقرار دولت تک‌حزبی توسط کمیته اتحاد و ترقی کمیته اتحاد و ترقی و کودتای نظامی در ۲۳ ژوئن ۱۹۱۳ توسط کمیته اتحاد و ترقی (Zurcher, 2004؛ Shaw & Shaw, 2002). در باب اثبات بازگشت به اقتدارگرایی ایران باید گفت اولین موج بازگشت به اقتدارگرایی در دوره سلطنت محمدعلی شاه در ۱۲۸۷ش مطابق ۱۹۰۸م رخ داد. به توپ بستن مجلس توسط محمدعلی شاه در دوم تیر ۱۲۸۷، اعلام حکومت نظامی توسط او، انحلال مجلس و لغو تمامی قوانین مصوب مجلس دلالت‌های مصدق‌ی بازگشت به اقتدارگرایی در ایران هستند (رک: فوران، ۱۳۸۲؛ کاتوزیان، ۱۳۷۹؛ فوران، ۱۳۷۷؛ آبراهامیان، ۱۳۸۵؛ اتحادیه، ۱۳۶۱). این شواهد نشان می‌دهد که بازگشت به اقتدارگرایی در هر دو کشور ترکیه عثمانی و ایران، رخ داده است.

بر مبنای استدلال ارائه‌شده اکنون می‌توان این سؤال را مطرح کرد که: «موج اول بازگشت به اقتدارگرایی در ترکیه و ایران چگونه قابل تبیین است»؟

در این مقاله دو هدف علمی و عملی دنبال می‌شود. هدف علمی ناظر بر تبیین دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران است. هدف دوم ناظر بر یافتن راه‌حل عملی مسئله دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران با الهام از داده‌های تجربی مربوط به شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو کشور است. در هدف اول سهم^۳ پژوهشگر در تولید دانش علمی برجسته و در هدف دوم راه‌حل عملی مسئله دموکراتیزاسیون با تأکید بر ایران ارائه می‌شود.

در پاسخ به پرسش مقاله و نیز تبیین دموکراتیزاسیون، تلاش شده است یک دستگاه نظری مناسب بر ساخته شود که در ادامه مقاله ارائه شده است.

ادبیات دموکراتیزاسیون

در باب دموکراتیزاسیون پژوهش‌ها و تئوری‌های مختلفی انجام و ارائه شده است. با این حال، در این پژوهش تنها به چند پژوهش و تئوری که مناسبت بیشتری با پژوهش حاضر داشته‌اند تمرکز شده است. بحث انتقادی در باب پژوهش‌های تجربی پیشین و تئوری‌های موجود، سهم پژوهشگر در دانش علمی و تفاوت این پژوهش را با پژوهش‌های گذشته برجسته می‌کند.

شاو و شاو (۱۳۷۰) بر علت‌های ساختاری مانند مدرنیزاسیون و فرایندی مانند نقش عوامل خارجی و کنشگران داخلی در وقایع تاریخی مشروطه‌خواهی تأکید می‌کنند. با این حال، این عوامل بدون پشتوانه نظری صرفاً به مثابه امر تاریخی مطالعه شده‌اند. اریک جان زورخر^۴ (۲۰۰۴) دو عامل را در گذار تدریجی به سوی دموکراسی در ترکیه برجسته می‌کند: ۱. فشارهای اجتماعی و اقتصادی برای تغییر؛ ۲. فشارهای خارجی برای برقراری دموکراسی. نقطه قوت این مقاله در توجه هم‌زمان به نقش کنشگران داخلی و خارجی در گذار به دموکراسی در ترکیه است، با این حال زورخر بر انتخاب استراتژیک نخبگان سیاسی در لحظه‌های بحرانی متمرکز نمی‌شود. علی ساعی (۱۳۹۷) تغییرات دموکراتیک در ایران را از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۸۲ بررسی می‌کند و رابطه میان مدرنیزاسیون، جامعه مدنی و الگوی مناسبات کنشگران سیاسی را با دموکراتیزاسیون نشان می‌دهد. نقطه قوت این اثر استفاده از ظرفیت‌های هر دو دسته تبیین‌های ساختارمحور و عاملیت‌محور است. در نقد این پژوهش باید گفت روح ساختارگرایی بر این اثر غلبه دارد و برای نقش نخبگان سیاسی به‌عنوان کارگزاران فرایند دموکراتیزاسیون، وزن سنگینی قائل نشده است. محمدعلی همایون کاتوزیان در تئوری استبداد ایرانی بر چرخه حکومت خودکامه — سنت هرج و مرج — حکومت خودکامه متمرکز شده است. این تئوری که بر دو عامل ساختاری مانند ضعف مالکیت خصوصی و فقدان طبقات مستقل از دولت استوار است، به نقش کنشگران کم‌تر تأکید کرده است. با این حال، کاتوزیان در مطالعه موردی کودتای ۱۲۹۹ و ۱۳۳۲، بازگشت به استبداد و دیکتاتوری، نقش کنشگران خارجی و داخلی را وارد تحلیل کرده است. او یکی از عوامل مهم تسهیل‌کننده بازتولید حکومت‌های خودکامگی را مداخله نیروهای خارجی می‌داند (رک: کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص. ۲۰؛ ۱۳۷۹، ص. ۷). در نقد این تئوری باید

گفت تأکید بر شرایط ساختاری جبرگرایانه‌ای چرخه حکومت خودکامه - هرج مرج - حکومت خودکامه، خارج شدن از آن را غیرممکن تلقی می‌کند. البته کاتوزیان در باب شکست نهضت ملی شدن صنعت نفت نیز به‌طور ضمنی اشاره می‌کند که رهبران نهضت ملی می‌توانستند با راه حل شرافتمندانه با انگلستان از آن چرخه خارج شوند.

برخی صاحب‌نظران مانند گرام گیل^۵ (2000)، هانتینگتون^۶ (1993)، لیپست^۷ (1994)، دایاموند^۸ (2004)، اینگلهارت^۹ (2005) و ونهانن^{۱۰} (2003) در تبیین دموکراتیزاسیون بر شرایط ساختاری مانند توسعه اقتصادی - اجتماعی و برخی دیگر مانند رستو^{۱۱} (۱۹۷۰)، کارل و اشمیتر (1991)، کارل (1990)، هیگلی و برتون (1987)، هانتینگتون (1993) بر فرایندها و انتخاب‌های استراتژیک کنشگران تأکید می‌کنند. مدعای ما آن است که اگرچه توسعه اقتصادی - اجتماعی به تغییر ساختارهای اجتماعی منجر می‌شود و این ساختارها می‌توانند وقوع دموکراتیزاسیون را تسهیل کنند، با این حال این تئوری قادر نیست به این پرسش پاسخ دهد که این ساختارها چگونه به دموکراتیزاسیون منجر می‌شوند. با شرط وجود شرایط ساختاری مناسب سرنوشت دموکراتیزاسیون توسط نخبگان سیاسی و استراتژی‌های آنان تعیین می‌شود. در این مقاله به جای تئوری‌های ساختارگرایانه، رویکرد عاملیت‌محور به‌عنوان پشتوانه نظری انتخاب شده است. مطابق با این رویکرد، دموکراتیزاسیون تابع استراتژی نخبگان سیاسی در بی‌اعتبارسازی اقدامات محافظه‌کاران است (Karl & Schmitter, 1991; Karl, 1990; Higley & Burton, 1987; Huntington, 1993). در اینجا به نظریات رستو و هانتینگتون به‌منزله نمایندگان مهم رویکرد کنشگران سیاسی می‌پردازیم.

رستو نماینده اصلی نظریه گذار به دموکراسی است. او معتقد است که کشورها در مسیر دموکراتیزاسیون چهار مرحله را پشت سر می‌گذارند که عبارت است از: ۱. اتحاد ملی: توافق شهروندان یک سرزمین برای دموکراتیک‌سازی نظام سیاسی، نه ایجاد یک نظام سیاسی جدید؛ ۲. مرحله آمادگی: تضاد و کشمکش میان نیروهای سیاسی. دموکراسی فرزند تضاد و حتی خشونت است؛ ۳. مرحله تصمیم‌گیری: سازش و مصالحه احزاب رقیب و پذیرش قواعد دموکراتیک؛ ۴. مرحله عادت: در این مرحله پذیرش قواعد دموکراتیک از سوی رهبران و احزاب درگیر در نزاع‌های سیاسی به‌تدریج به عادت تبدیل می‌شود (ساعی،

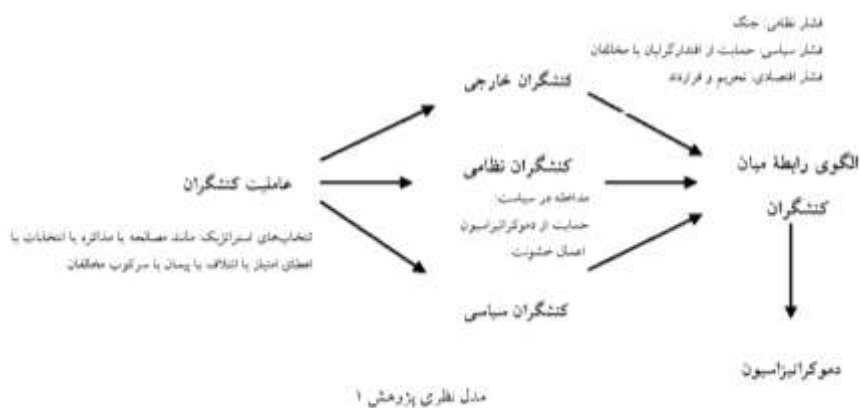
تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران: مطالعه... علی ساعی و همکار

۱۳۷۹؛ بشیریه، ۱۳۸۶؛ Gill, 2000). تئوری هانتینگتون ناظر بر فرایندها و انتخاب‌های کنشگران در فرایندهای گذار دموکراتیک است. در تئوری هانتینگتون کنشگران به چهار گروه تقسیم می‌شوند: قشری‌ها^{۱۲}، اصلاح‌طلبان^{۱۳}، میانه‌روهای لیبرال^{۱۴} و رادیکال‌ها^{۱۵} (Huntington, 1993). در این تئوری قدرت نسبی گروه‌ها و نحوه تعامل آن‌ها نوع گذار دموکراتیک را شکل می‌دهد. او فرایندهای گذار دموکراتیک را شامل تغییر شکل، فروپاشی و جابه‌جایی می‌داند (ibid). در گذار تغییر شکل^{۱۶} شرط لازم ظهور اصلاح‌طلبان است. اصلاح‌طلبان شامل دو گروه اصلاح‌طلبان دموکراسی‌خواه و لیبرال هستند. گذار تغییر شکل زمانی رخ می‌دهد که اصلاح‌طلبان درون حاکمیت از قشری‌ها قوی‌تر باشند، حکومت نسبت به مخالفان دست بالا را داشته باشد و میانه‌روها قوی‌تر از افراط‌گرایان باشند. در نوع فروپاشی مخالفان رادیکال قوی‌تر از دولت هستند. فروپاشی هنگامی رخ می‌دهد که گروه‌های مخالف عهده‌دار دموکراتیزاسیون باشد (ibid). فرایند جابه‌جایی ناشی از کنش‌های مشترک حکومت و مخالفان است. در درون حکومت موازنه قدرت اصلاح‌طلبان و قشری‌ها طوری است که حکومت تمایل پیدا می‌کند با آن‌ها مذاکره کند. در گروه مخالفان رهبران دموکراتیک قوی‌تر از تندروهای غیردموکراتیک هستند، اما قدرت آن‌ها در حدی نیست که بتوانند حکومت را براندازند. در فرایند جابه‌جایی گروه‌های غالب در حکومت و مخالفان به‌تنهایی قادر به تصمیم درباره نظام سیاسی آینده نیستند. در نتیجه، رهبران حکومت و مخالفان پس از سنجش قدرت یکدیگر تصمیم به مذاکره سیاسی می‌گیرند. بنابراین، براساس تئوری هانتینگتون، گذارهای دموکراتیک با نوع ترکیب کنش‌های چهار گروه سیاسی رابطه دارد که به آن استراتژی کنشگران سیاسی گفته می‌شود. بر مبنای تئوری هانتینگتون استراتژی رهبران سیاسی درون حاکمیت و مخالفان رژیم اقتدارگرا در گذارهای دموکراتیک به صورت زیر است: ۱. مذاکره، ۲. مصالحه دموکراتیک، ۳. اعطای امتیاز، ۴. انتخابات، ۵. تنظیم پیمان‌های دموکراتیک، ۶. خشونت (ibid).

در این پژوهش از طریق بازسازی عقلانی - مفهومی تئوری‌های موجود و با الهام از برنامه پژوهشی علی ساعی (2020)، با عنوان مطالعه تطبیقی دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران از سال ۱۸۳۹ تا ۲۰۲۰، دستگاه نظری متناسب با مسئله پژوهش ساخته شده است.

فرموله کردن دستگاه نظری

بنیان نظری این پژوهش بر رویکرد عاملیت‌محور استوار است. ساختار منطقی دستگاه نظری یا مدل تئوریک به شرح زیر است.



در این مدل نظری ما برای عاملیت کنشگران سه بُعد تعریف کرده‌ایم. عاملیت کنشگران خارجی و عاملیت کنشگران نظامی و عاملیت کنشگران سیاسی. ساختار منطقی این مدل دلالت بر آن دارد که دموکراتیزاسیون نتیجه نوع و کیفیت ترکیب سه شرط علی، عاملیت کنشگران سیاسی و کنشگران نظامی و کنشگران خارجی است. به لحاظ نظری دموکراتیزاسیون رخ می‌دهد، اگر استراتژی کنشگران سیاسی، مصالحه یا مذاکره یا برگزاری انتخابات یا اعطای امتیاز یا ائتلاف باشد و عاملیت نظامیان محدود به نقش نهادی^{۱۷} آنان در حمایت از دموکراتیزاسیون باشد و فشار بین‌المللی^{۱۸} برای حمایت از دموکراتیزاسیون باشد. مطابق با مسئله پژوهش این مقاله، بازگشت به اقتدارگرایی، این فرضیه از دستگاه نظری پژوهش بر مبنای نظم قیاسی قابل استنتاج است که بازگشت به اقتدارگرایی رخ می‌دهد، اگر استراتژی کنشگران سیاسی سرکوب‌گرایانه یا ائتلاف یا مصالحه علیه دموکراتیزاسیون باشد و استراتژی کنشگران نظامی مداخله خشونت‌آمیز^{۱۹} در فرایندهای سیاسی باشد و استراتژی کنشگران خارجی مداخله سیاسی - نظامی در سیاست داخلی باشد.

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران: مطالعه... _____ علی ساعی و همکار

چارچوب روش پژوهش

در اینجا ابتدا مفاهیم مدل نظری تعریف عملیاتی شده است. سپس روش تحقیق، واحدهای تحلیل، اعتبار و پایایی پژوهش مورد بحث قرار گرفته است.

دموکراتیزاسیون: در این متن بر مرحله گذار دموکراتیک دموکراتیزاسیون متمرکز شده‌ایم. برای مرحله گذار دموکراتیک دو فاز تعریف کرده‌ایم: ۱. تأسیس^{۲۰} و ۲. تحقق^{۲۱}. در فاز اول، نهادها و فرایندهای جدید جایگزین نهادها و فرایندهای قدیمی ناسازگار با دموکراسی می‌شوند. فاز دوم ناظر بر تحقق یا عملیاتی شدن این فرایندها و ساختارهای جدید است (ساعی، ۱۳۹۷؛ Saei, 2020). دلالت مصدافی گذار دموکراتیک از طریق معرف‌های تجربی، مانند تأسیس پارلمان، قانون اساسی و برگزاری انتخابات قابل ارزیابی است.

بازگشت به اقتدارگرایی: در متن حاضر دلالت‌های مصدافی بازگشت به اقتدارگرایی از طریق سرکوب خشونت‌آمیز، انحلال پارلمان، تغییر قانون اساسی، سانسور و بستن روزنامه‌های مخالفان، دستگیری، ترور و زندانی کردن مخالفان. انحلال احزاب مخالف، حکومت نظامی و کودتا ارزیابی شده است.

عاملیت کنشگران: در این مقاله منظور از کنشگران، کنشگران در معنای گیدنزی آن، یعنی عاملان موردنظر است (درمورد عاملیت رک: گیدنز ۱۹۸۹، به نقل از ساعی، ۱۳۹۷). در این پژوهش برای کنشگران سه بُعد تعریف شده است: ۱. کنشگران سیاسی، ۲. کنشگران نظامی، ۳. کنشگران خارجی. کنشگران سیاسی از طریق دو بُعد، نخبگان سیاسی و نخبگان مذهبی مطالعه تجربی شده است. مصداق‌های نخبگان سیاسی، نخبگان حاکم و کنشگران حزبی و نخبگان مذهبی مانند آیت‌الله و شیخ‌الاسلام هستند. عاملیت نخبگان سیاسی از طریق انتخاب‌های استراتژیک آنان اعمال می‌شود. در این پژوهش معرف‌های انتخاب‌های استراتژیک مصالحه، مذاکره، انتخابات، پیمان، ائتلاف، انحلال پارلمان، افزایش اختیارات قانونی شاه/سلطان از طریق اصلاح قانون اساسی، سرکوب مانند سانسور و بستن روزنامه‌های مخالفان، دستگیری، ترور و زندانی کردن مخالفان، انحلال احزاب رقیب و ائتلاف علیه دموکراتیزاسیون است. عاملیت نخبگان مذهبی شامل مخالفت با دموکراتیزاسیون، طرفداری از دموکراتیزاسیون و ائتلاف با

اقتدارگرایان است. در پژوهش حاضر عاملیت کنشگران نظامی از طریق مداخله آنان در سیاست مورد ارزیابی قرار گرفته است. معرف‌های مداخله نظامیان در سیاست عبارت‌اند از: حمایت از دموکراتیزاسیون؛ اعمال خشونت مانند کودتا، حکومت نظامی؛ و حمایت از اقتدارگرایان. در این مقاله عاملیت کنشگران خارجی از طریق فشار آنان ارزیابی شده است. دلالت‌های مصداقی فشار کنشگران خارجی عبارت‌اند از: جنگ، اشغال نظامی، قرارداد تحمیلی، و حمایت از اقتدارگرایان.

روش تحقیق: روش این پژوهش تطبیقی تاریخی است. یکی از دلایل انتخاب تحلیل تطبیقی تاریخی این است که این پژوهش مورد محور^{۲۲} است و با موضوع این پژوهش که تحلیل واقعه دموکراتیزاسیون در دو مورد ایران و ترکیه است، مناسبت دارد. روش رقیب روش تحلیل متغیر محور^{۲۳} است. در تحلیل تطبیقی کمی پدیده‌های تجربی به‌مثابه متغیرها مطالعه می‌شوند، درحالی که در پژوهش تطبیقی کیفی (تاریخی)، پدیده‌های اجتماعی به‌مثابه موردها و موردها به‌مثابه کل ترکیب‌بندی شده با یکدیگر مقایسه می‌شوند. از ویژگی‌های این تحلیل مقایسه زمینه‌مند تمایزات و تشابهات موردها با یکدیگر به‌مثابه یک کل ترکیب‌بندی شده است (رک: ساعی، ۱۳۹۲؛ Ragin, 1989). براساس الزامات روش پژوهش تطبیقی تاریخی، تحلیل در دو سطح انجام شده است: سطح درون‌کشوری و سطح بین‌کشوری. برای تحلیل تفسیری داده‌های تاریخی درون‌کشوری از تکنیک تحلیل روایتی استفاده شده است. در سطح بین‌کشوری تحلیل علی از طریق علیت همایندی^{۲۴} انجام شده است. در این سطح تشابهات و تفاوت‌های کشور ایران و ترکیه مورد مقایسه قرار گرفته است. از طریق روش علیت همایندی می‌توان موردها را بر حسب عضویت و عدم عضویت در مجموعه‌ها مطالعه کرد. در تحلیل علیت همایندی علت‌ها به‌صورت ترکیب شروط علی وارد تحلیل می‌شوند و مقایسه موردها امکان‌پذیر می‌شود. بنابراین، در شرایطی که معلول از طریق ترکیب‌های علی چندگانه رخ دهد، روش تحلیل علیت همایندی این ترکیب‌ها را وارد تحلیل می‌کند. در تحلیل علیت همایندی از داده‌های دوارزشی^{۲۵} استفاده می‌شود. علت‌ها و معلول به‌صورت دوارزشی صدق یا کذب و حضور یا غیاب می‌شوند. تحلیل علیت همایندی نیازمند ماتریس شواهد تجربی خام به‌صورت یک جدول ارزش^{۲۶} است. جدول ارزش برای

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران: مطالعه... _____ علی ساعی و همکار

بازنمایی گزاره‌های منطقی است. این نوع گزاره‌ها از حیث ارزش منطقی صادق یا کاذب هستند. برای تحلیل ترکیب علی شروط علی کنشگران سیاسی، کنشگران نظامی و کنشگران خارجی در دو کشور ایران و ترکیه، جدول ارزش به صورت زیر ارائه شده است:

جدول ۱: جدول ارزش

موردها	کنشگران سیاسی A	کنشگران نظامی B	کنشگران خارجی C	نتیجه
ترکیه	-/+	-/+	-/+	دموکراتیزاسیون/ بازگشت به اقتدارگرایی
ایران	-/+	-/+	-/+	دموکراتیزاسیون/ بازگشت به اقتدارگرایی

واحد تحلیل: در این پژوهش، کشور و دوره‌های زمانی و دوره‌های تاریخی واحد تحلیل ما را تشکیل می‌دهند که در جدول ۲ واحدهای تحلیل ارائه شده است.

جدول ۲: واحدهای تحلیل

کشور	دوره زمانی	دوره تاریخی	توضیح
ترکیه	از ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۳م	دوره اول مشروطه دوم عثمانی	این دوره زمانی با صدور فرمان احیای پارلمان توسط سلطان عبدالحمید دوم در سال ۱۹۰۸م آغاز شد و تا سال ۱۹۱۳م ادامه یافت. در این دوره موج دوم بازگشت به اقتدارگرایی در ترکیه عثمانی رخ داد.
ایران	از ۱۹۰۶ تا ۱۹۰۹م	دوره اول مشروطه	این دوره زمانی از سال ۱۲۸۵ش مطابق با سال ۱۹۰۶م با صدور فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه آغاز شد و تا سال ۱۲۸۸ مطابق با سال ۱۹۰۸م ادامه یافت. در این دوره اولین موج بازگشت به اقتدارگرایی در سال ۱۲۸۷ رخ داد.

واحد مشاهده: در این پژوهش که موضوع آن ماهیت تاریخی دارد واحدهای مشاهده متن‌هایی با موضوع تاریخی هستند. این متن‌ها از طریق مراجع رسمی یا از طریق پژوهشگران اجتماعی و تاریخی تولید شده‌اند. داده‌های پژوهش حاضر از متن‌های زیر به دست آمده است: محمدعلی همایون کاتوزیان (۱۳۸۱، ۱۳۷۹)، یرواند آبراهامیان (۱۳۷۷)، جان فوران (۱۳۷۷)، علی ساعی (۱۳۹۷)، فریدون آدمیت (۱۳۵۱)، فریدون

آدمیت (۱۳۹۴)، اتابکی و همکاران (۱۳۸۵)، شاو و همکاران (۱۳۷۰)، محمدتقی امامی خویی (۱۳۹۵)، آکنز^{۲۷} (۲۰۱۲)، ارگون ازبدون و عمر جنکایا^{۲۸} (۲۰۰۹)، اریک جان زورخر^{۲۹} (۲۰۰۴).

اعتبار: در این پژوهش معرف‌ها با الهام از واحدهای تجربی مانند پژوهش هانتینگتون و همکاران (۱۳۹۷)، علی ساعی (۱۳۹۷)، شاو و شاو (۱۳۷۰)، اتابکی و همکاران (۱۳۸۵)، اریک جان زورخر (۲۰۰۴)، محمدعلی همایون کاتوزیان (۱۳۸۱، ۱۳۷۹)، یرواند آبراهامیان (۱۳۷۷)، جان فوران (۱۳۷۷) تعریف شده است.

پایایی: در این پژوهش تلاش شده است شواهد تجربی از منابع موثق در مراکز علمی و دانشگاهی معتبر که در بالا و در فهرست منابع آمده است گردآوری شود. علاوه بر آن، این پژوهش در پرتو الزامات پژوهش تطبیقی مبتنی بر مشابه‌ترین سیستم‌ها انجام شده است. شاید بتوان گفت در صورتی که دیگران نیز با فرض کنترل عوامل مشترک سیستمی^{۳۰} و در پرتو دستگاه نظری و روش تحلیل این پژوهش، بازگشت به اقتدارگرایی را در کشور ایران و ترکیه، تبیین کنند، ممکن است نتیجه علمی مشابهی را تولید کنند.

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران

دموکراتیزاسیون و بازگشت آن به اقتدارگرایی در ترکیه و ایران از طریق تحلیل روایتی و تحلیل علی همایندی مطالعه تطبیقی شده است. شواهد تاریخی دلالت بر آن دارد که در اوایل قرن نوزدهم جامعه ایرانی اولین موج دموکراتیزاسیون را، که انقلاب مشروطه نامیده می‌شود، در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ با صدور فرمان مشروطه توسط مظفرالدین شاه تجربه کرده است. در اینجا مرحله اول دموکراتیزاسیون با عنوان شکست رژیم اقتدارگرا محقق شد (رک: ساعی، ۱۳۹۷؛ فوران، ۱۳۸۲؛ آبراهامیان، ۱۳۸۵). دو سال بعد موج دوم دموکراتیزاسیون در ترکیه عثمانی در ۲۳ جولای ۱۹۰۸، با عنوان انقلاب ترکان جوان، با احیای پارلمان توسط سلطان عبدالحمید دوم که در قانون اساسی ۱۸۷۶م پیش‌بینی شده بود، رخ داد (رک: شاو و شاو، ۱۳۷۰، ص. ۴۶۲؛ امامی خویی، ۱۳۹۵، ص. ۱۵۰؛ یاغی،

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران: مطالعه... علی ساعی و همکار

۱۳۸۳، ص. ۱۷۵؛ رایبسون، ۱۳۵۷، صص. ۱۴-۱۵؛ انتخابی، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۱؛
Kayali, 1995; Ozbudunand Genckaya, 2009, p.8; Zurcher, 2004, p.90;

شواهد موجود در ایران نشان می‌دهد که مرحله گذار دموکراتیک با تأسیس مجلس ملی مؤسسان برای تدوین قانون انتخابات مجلس ملی و ظهور مجلس ملی در مهر ۱۲۸۵ و تدوین قانون اساسی مشروطه آغاز شد. در ادامه دوره گذار نهادهای دموکراتیک مانند قانون انتخابات، ساختار جدید حکومتی، سلطنت مشروطه، و نیز متمم قانون اساسی، که در تاریخ ۱۵ مهر ۱۲۸۶ به امضای محمدعلی شاه رسید، تأسیس شدند. این متمم دو بخش اصلی داشت: ۱. به رسمیت شناختن حقوق افراد که منشور حقوق مساوات افراد جامعه در برابر قانون، آزادی انتشار روزنامه‌ها و تشکیل انجمن‌ها را تضمین می‌کرد؛ ۲. علاوه بر تأیید اصولی تفکیک قوا، قدرت بیشتری را به قوه مقننه تفویض می‌کرد (رک: آبراهامیان، ۱۳۸۵؛ ساعی، ۱۳۹۷؛ فوران، ۱۳۸۲).

نقطه آغازین گذار دموکراتیک در موج دوم دموکراتیزاسیون در ترکیه، مشروطه دوم عثمانی، اصلاح ماده ۱۱۳ قانون اساسی مشروطه اول عثمانی ۱۸۷۶ است.^{۳۲} این ماده از قانون اساسی، دست عبدالحمید دوم را در برقراری حکومت خودکامه باز گذاشته بود. در این دوره فعالیت آزاد مطبوعات، تشکیل گروه‌های سیاسی اتحاد و ترقی و گروه مخالف آن اتحاد لیبرال عثمانی و همچنین برگزاری انتخابات مجلس در سال ۱۹۰۸ و افتتاح مجلس در ۱۷ دسامبر ۱۹۰۸، تصویب قانون جدید در ۲۱ اوت ۱۹۰۹ با هدف کاهش اختیارات سلطان و تحقق حقوق و آزادی‌های مدنی از مصداق‌های تحقق گذار دموکراتیک است (Kayali, 1995 ; Shaw & Shaw, 2002).

با رویکرد تحلیل تطبیقی، شواهد تاریخی نشان می‌دهد در دو کشور ایران و ترکیه عثمانی اصلاح قانون اساسی، برگزاری انتخابات و گشایش مجلس رخ داده است. با این حال، برخی عناصر دوره گذار در دو کشور متفاوت است. دوره گذار در ایران از مرحله تأسیس نهادهای دموکراتیک، مانند قانون اساسی آغاز و در ادامه مرحله تحقق با برگزاری انتخابات پارلمان در سال ۱۲۸۵ تجربه شد. در ترکیه عثمانی اگرچه مرحله تأسیس در موج اول دموکراتیزاسیون تجربه شد، با این حال، در این دوره ماده ۱۱۳ قانون اساسی اصلاح شد. در ۲۱ آگوست ۱۹۰۹ قانون اساسی ۱۹۷۶م اصلاح شد که به

مجلس اختیار می‌داد در صورت لزوم سلطان را از مقام خود خلع کند (ماده ۳). مطابق با ماده ۳۵ حکومت اجازه یافت که در موقع لزوم اعلام حکومت نظامی کند و همه قوانین و احکام عادی کشور را به حالت تعلیق درآورد.

به رغم تلاش مشروطه‌خواهان برای توسعه دموکراتیزاسیون، این فرایند در مرحله دوم، گذار دموکراتیک، با شکست مواجه شد. بعد از مدت کوتاهی هر دو کشور بازگشت به اقتدارگرایی را تجربه کردند. در ایران در سال ۱۲۸۷ش / ۱۹۰۸م و ترکیه در سال ۱۹۱۳م بازگشت به اقتدارگرایی رخ داد. در اینجا ابتدا شواهد بازگشت به اقتدارگرایی در دو کشور ارائه شده و در ادامه بر مبنای شواهد تجربی موجود در جدول ۳ شروط علی‌ناظر بر بازگشت به اقتدارگرایی در دو کشور تحلیل تطبیقی می‌شود.

بازگشت به اقتدارگرایی در ترکیه عثمانی زمانی رخ داد که تغییر قانون اساسی با هدف افزایش اختیارات سلطان برای انحلال مجلس بر مبنای ماده ۳۵ رخ داد. بر مبنای این ماده سلطان محمد رشاد مجلس را دوبار در ۱۵ ژانویه ۱۹۱۲ و ۵ اوت ۱۹۱۲ منحل کرد. در بهار ۱۹۱۲ انتخابات پارلمان با خشونت و اربعاب کمیته اتحاد و ترقی برگزار شد که این انتخابات در تاریخ ترکیه با عنوان انتخابات با چماق معروف است. در واکنش به اقدامات خشونت‌آمیز کمیته اتحاد و ترقی، محمود شوکت، وزیر اعظم، توسط اتحاد لیبرال ترور شد. در واکنش به این واقعه جمال پاشا^{۳۳} در پایتخت اعلام حکومت نظامی کرد و کمیته اتحاد و ترقی پس از قتل شوکت نظارت کامل حکومت را در دست گرفت. یک دادگاه نظامی ۱۶ تن از رهبران اتحاد لیبرال را محاکمه و آنان را به مرگ محکوم کرد. در ۱۲ ژوئن ۱۹۱۳، دیکتاتوری این کمیته آغاز شد. کمیته اتحاد و ترقی در ۲۳ ژوئن ۱۹۱۳ اقدام به کودتا علیه اتحاد لیبرال کرد (رک: شاو و شاو، ۱۳۷۰؛ Zurcher, 2004). در این مقطع با حذف اتحاد لیبرال، قدرت انحصاری به دست این کمیته افتاد. مجموعه این حوادث بر بازگشت به اقتدارگرایی در ترکیه عثمانی دلالت دارد.

در باب شواهد تجربی بازگشت به اقتدارگرایی در ایران باید گفت این واقعه زمانی رخ داد که محمدعلی‌شاه در ۲۱ خرداد ۱۲۸۷ اعلام حکومت نظامی کرد (فوران، ۱۳۷۷، ص. ۲۶۳). شاه در دوم تیر ۱۲۸۷ مجلس را به فرماندهی لیاخوف روسی به توپ بست (رک: فوران ۱۳۷۷، ص. ۲۶۴؛ ساعی، ۱۳۹۷؛ آبراهامیان، ۱۳۸۵، ص. ۸۷) و مجلس را

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران: مطالعه... علی ساعی و همکار

منحل کرد. محمدعلی شاه سرکوب مشروطه‌خواهان را آغاز کرد. بسیاری از رهبران ملی و نمایندگان مجلس به قتل رسیدند، دستگیر شدند یا در سفارت انگلستان متحصن شدند. ملک‌المتکلمین و جهانگیر خان (نویسنده صور اسرافیل)، قاضی قزوینی، شیخ احمد تربتی معروف به سلطان العلماء^۳، نماینده تبریز و یحیی میرزا اسکندری کشته شدند. همچنین بهبهانی و طباطبایی (رهبران مذهبی مشروطه) در خانه‌هایشان تحت بازداشت قرار گرفتند. تقی‌زاده و چهل نفر از مشروطه‌خواهان در سفارت انگلیس متحصن شدند (رک: آبراهامیان، ۱۳۸۵، ص. ۸۷؛ اتحادیه، ۱۳۶۱، ص. ۱۷۹). شاه تمامی قوانین سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۷ق از جمله اصلاح بودجه، اقدام‌های اصلاحی امور مالیات بر زمین را لغو کرد (رک: فوران، ۱۳۸۲، ص. ۲۹۳). مجموعه این حوادث در این زمان، که به استبداد صغیر معروف است، دلالت بر بازگشت به اقتدارگرایی در ایران دارد. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که چرا این دو کشور بازگشت به اقتدارگرایی را تجربه کردند. در پاسخ به این سوال واقعه بازگشت به اقتدارگرایی مطابق با شروط علی موجود در تئوری پژوهش تحلیل تجربی می‌شود.

جدول ۳: جدول ارزش

کشور	سال	کنشگران سیاسی						کنشگران نظامیان		کنشگران خارجی			دموکراتیزاسیون
		سیاسی A ₁				مذهبی A ₂		B		C			
ترکیه	۱۹۰۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳
	۱۹۱۲-	۱	۲	۳	۴	۶	۷	۱	۰	۱	۰	۰	۲
	۱۹۱۳	۵,۷+۵,۶+۵,۵+۵,۲+۵,۱				۶	۷	۲	۳	۱	۲	۳	۱
ایران	۱۹۰۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳
	۱۹۰۶-۷	۲	۳	۴									۲
	۱۹۰۸	+۵,۳+۵,۴+۵,۵+۵,۶+۵,۷				۷		۲	۳	۲	۳	۴	۱
		۵,۱											

دموکراتیزاسیون: ۱. شکست رژیم اقتدارگرا؛ ۲. گذار دموکراتیک؛ ۳. بازگشت به اقتدارگرایی A1.

. عاملیت نخبگان سیاسی: ۱. مصالحه، ۲. مذاکره، ۳. ائتلاف، ۴. برگزاری انتخابات؛ ۵. سرکوب: ۱,۵.

انحلال پارلمان، ۲،۵. لغو قوانین دموکراتیک، ۳،۵. تغییر قانون اساسی، ۴،۵. دستکاری در نتیجه انتخابات، ۵،۵. سانسور و بستن روزنامه‌های مخالفان، ۶،۵. دستگیری، تبعید، ترور و زندانی کردن مخالفان، ۷،۵. غیر قانونی اعلام کردن احزاب رقیب، ۸،۵. سیاست تک‌حزبی. A2. **نخبگان مذهبی**: ۶. مخالفت با دموکراتیزاسیون، ۷. ائتلاف با اقتدارگرایان. B: **عاملیت کنشگران نظامی**: مداخله نظامیان در سیاست ۱. حمایت از دموکراتیزاسیون؛ ۲. کودتا؛ ۳. حکومت نظامی؛ ۴. سرکوب. C: **عاملیت کنشگران خارجی**: ۱. جنگ، ۲. اشغال نظامی، ۳. قرارداد تحمیلی، ۴. حمایت از اقتدارگرایان.

فرض ما آن است که بازگشت به اقتدارگرایی در ترکیه و ایران نتیجه ترکیب عطفی^{۳۵} سه شرط علی^{۳۶} ناظر بر کیفیت عاملیت کنشگران سیاسی، نظامی و خارجی است؛ به این معنا که بازگشت به اقتدارگرایی در ترکیه و ایران رخ می‌دهد، اگر الگوی رابطه میان کنشگران سیاسی سرکوب‌گرایانه باشد (A) و مداخله نظامیان (B) در فرایندهای سیاسی خشونت‌آمیز باشد و عامل مداخله کنشگران خارجی (C) در سیاست داخلی نیز حضور داشته باشد. این ادعا از طریق داده‌های تاریخی مورد تحلیل تجربی قرار می‌گیرد. بر مبنای داده‌های جدول ۳، معادله ترکیب عطفی شروط علی بازگشت به اقتدارگرایی بدین شرح است:

$$\text{Outcome} = F(A_1(5.1+5.3+5.4+5.5+5.6+5.7+5.8) A_2(6+7) B(2+3) C(1+2+3))$$

$$\text{Outcome} = F(A_1(5.1+5.2+5.5+5.6+5.7) A_2(7) B(2+3) C(2+3+4))$$

$$\text{Outcome} = F((A_1 A_2 BC) + (A_1 A_2 BC))$$

در این دو گزاره منطقی علامت جمع معادل «یای منطقی»^{۳۷} است. علامت ضرب اشاره به «و منطقی»^{۳۸} دارد. برای مثال در گزاره منطقی مربوط به ایران بازگشت به اقتدارگرایی رخ می‌دهد، اگر عاملیت کنشگران سیاسی در ایران ناظر بر انحلال پارلمان، یا لغو قوانین دموکراتیک، یا تغییر قانون اساسی یا دستکاری در نتیجه انتخابات، یا سانسور و بستن روزنامه‌های مخالفان، یا دستگیری، تبعید، ترور و زندانی کردن مخالفان، یا غیر قانونی اعلام کردن احزاب رقیب، و عاملیت کنشگران مذهبی ائتلاف با اقتدارگرایان باشد و عاملیت کنشگران نظامی کودتا یا حکومت نظامی و عاملیت کنشگران خارجی اشغال نظامی یا قرارداد تحمیلی یا حمایت از اقتدارگرایان باشد.

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران: مطالعه... _____ علی ساعی و همکار

معنای گزاره‌های مربوط به یای منطقی آن است که اگر یکی از زیرمجموعه‌های انتخاب‌های استراتژیک کنشگران حاضر باشد نتیجه حاضر خواهد شد.

عاملیت کنشگران مذهبی: در باب ترکیه باید گفت در سال ۱۹۰۹م کنشگران مذهبی با حمایت ضمنی سلطان، تعدادی از نظامیان و گروه‌های مختلف اجتماعی، یک گروه سیاسی با عنوان جمعیت اتحاد اسلامی با رهبری حافظ درویش وحدتی تشکیل دادند. این گروه خواستار حکومت شریعت به جای قانون اساسی و استفاده از اسلام در نوسازی کشور و رهایی امپراتوری بود. حافظ درویش خواستار آن بود که مدارس و دادگاه‌ها عرفی منسوخ و به جای آن‌ها مدارس و دادگاه‌های دینی مشغول به کار شوند و به‌منزله بهترین ابزار رهایی امپراتوری، اقتدار سلطان احیا شود (رک: شاو و شاو، ۱۳۷۰، ص. ۴۷۰، ۴۷۲؛ یاغی، ۱۳۸۳، ص. ۱۷۶؛ رایبسون، ۱۳۵۷، ص. ۱۶؛ امامی خویی، ۱۳۹۵، ص. ۱۵۲). جمعیت اتحاد اسلامی از طریق ائتلاف با گروه اتحاد لیبرال^{۳۹}، مبارزه علیه دولت کمیته اتحاد و ترقی را آغاز کرد. این ائتلاف علیه دموکراتیزاسیون و قانون اساسی آن بود. در آوریل ۱۹۰۹، سربازان لشکر اول به طلاب علوم دینی ملحق شدند و مجلس را به محاصره و دو تن از نمایندگان مجلس را ترور کردند. در واکنش به شورش اسلام‌گرایان احمد توفیق پاشا به مقام وزیر اعظمی منصوب شد و کابینه جدید وی کار خود را آغاز کرد. اسماعیل کمال به ریاست مجلس منصوب شد. این دو افراد مورد حمایت شورشیان اسلام‌گرا بودند (شاو و شاو، ۱۳۷۰، ص. ۴۷۴؛ یاغی، ۱۳۸۳، ص. ۱۷۶). اگرچه این شورش در روز ۲۴ آوریل ۱۹۰۹، توسط نظامیان سرکوب شد، با این حال عاملیت آن‌ها از طریق مخالفت با دموکراتیزاسیون یا ائتلاف با اقتدارگرایان در زمینه اجتماعی بازگشت به اقتدارگرایی رخ داده است. در واکنش به شورش اسلام‌گرایان و اقتدارگرایان، کنشگران نظامی تحت رهبری محمود شوکت فرمانده لشکر سوم، و با کمک افسرانی مانند مصطفی کمال، رئیس جوان ستاد لشکر سوم و عصمت (اینونو) و انوربیگ، در حمایت از مشروطه عثمانی از طریق استراتژی حکومت نظامی در سیاست مداخله کردند (رک: رایبسون، ۱۳۵۷؛ شاو و شاو، ۱۳۷۰). این استراتژی کنشگران نظامی در دفاع از دموکراتیزاسیون انتخاب شد و ادامه فرایند گذار دموکراتیک را امکان‌پذیر ساخت. سرانجام در روز ۲۷ آوریل ۱۹۰۹، مجلس جلسه

تشکیل داد. مجلس ملی با کسب فتوایی، سلطان عبدالحمید را به اتهام همکاری در برپایی شورش ضد انقلابی و کشتاری که متعاقب آن اتفاق افتاد، خلع کرد و حکومت برادرش محمد پنجم (رشاد) را اعلام کرد (رک: شاو و شاو، ۱۳۷۰، صص. ۴۷۴-۴۷۵؛ امامی خویی، ۱۳۹۵، ص. ۱۵۲).

عاملیت کنشگران خارجی: در باب شرط علی کنشگران خارجی باید گفت در این دوره مداخله کنشگران خارجی در ترکیه عثمانی زمانی آغاز شد که دو جنگ ترابلس و بالکان^{۴۰} در قبل از جنگ جهانی اول رخ داد. اولین تهاجم نظامی در ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۱، رخ داد که در آن ایتالیا به امپراتوری عثمانی رسماً اعلان جنگ داد. در ۴ نوامبر ۱۹۱۱، ایتالیا الحاق دو ولایت ترابلس و بنگازی را رسماً اعلام کرد (رک: شاو و شاو، ۱۳۷۰، صص. ۴۸۸-۴۸۹؛ امامی خویی، ۱۳۹۵، ص. ۱۵۳؛ رابینسون، ۱۳۵۷، ص. ۱۷). دومین مداخله، جنگ بالکان بود که در ۸ اکتبر ۱۹۱۲ شروع شد. بلغارها به سرعت به سوی تراکیه شرقی پیشروی کردند و ادرنه و استانبول را به محاصره خود درآوردند (رک: شاو و شاو، ۱۳۷۰، ص. ۴۹۵؛ امامی خویی، ۱۳۹۵، ص. ۱۵۴؛ یاغی، ۱۳۸۳، صص. ۱۸۲-۱۸۴؛ رابینسون، ۱۳۵۷، ص. ۱۷). این دو جنگ به قحطی و گرسنگی منجر شد. دولت به دلیل ضعف مالی از بازسازی ارتش و پرداخت حقوق کارمندان ناتوان بود. در این شرایط کنشگران خارجی دو قرارداد با نام قرارداد صلح لندن را بر امپراتوری عثمانی تحمیل کردند. اولی در شانزدهم دسامبر ۱۹۱۲ در دوره دولت کامل پاشا و دومی در شانزدهم آویل ۱۹۱۳ در زمان محمود شوکت امضا شد (Shaw & Shaw, 2002؛ امامی خویی، ۱۳۹۵؛ رابینسون، ۱۳۵۷). مطابق با قرارداد اول، دولت‌های بالکان خواستار آن شدند که عثمانی همه مملکات خود را واگذار کند. دولت با پیشنهاد مطرح شده موافقت کرد، به این شرط که همچنان ادرنه در قلمرو امپراتوری عثمانی بماند. مطابق با قرارداد دوم تراکیه و ادرنه در تصرف دشمن باقی ماند. پیامد سیاسی این دو قرارداد فرایند بازگشت به اقتدارگرایی را تسهیل کرد.

عاملیت کنشگران سیاسی و نظامی: در اینجا دلالت‌های مصداقی کنشگران سیاسی سلطان محمد رشاد، کمیته اتحاد و ترقی، اتحاد لیبرال و افسران آزادی‌خواه است. استراتژی این کنشگران در قبل از بازگشت به اقتدارگرایی، سرکوب‌گرایانه بود.

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران: مطالعه... علی ساعی و همکار

همچنانکه پیش‌تر گفته شد، مداخله کنشگران نظامی در سیاست زمانی رخ داد که در واکنش به شورش اسلام‌گرایان و اقتدارگرایان، نظامیان در دفاع از دموکراتیزاسیون در سیاست مداخله کردند. با این حال، استراتژی گروه‌های نظامی در ۱۹۱۲ و ۱۹۱۳ م علیه دموکراتیزاسیون بود.

در ۱۵ ژانویه ۱۹۱۲ مجلس که در انتخابات آن حزب اتحاد لیبرال پیروز شده بود، با فشار کمیته اتحاد و ترقی توسط سلطان منحل شد. در این دوره کابینه در اختیار کمیته اتحاد و ترقی با صدراعظمی سعید پاشا بود. انتخابات بعدی مجلس در همان سال برگزار شد. کمیته اتحاد و ترقی با استفاده از سازمان سراسری حزبی توانست پیروزی قاطع خود را تضمین کند. از این انتخابات به انتخابات چماقی تعبیر شده است. پیروزی کمیته اتحاد و ترقی در انتخابات، به حضور بیشتر اعضای آن‌ها در کابینه منجر شد. همچنین کمیته توانست ماده ۳۵ قانون اساسی را با هدف ایجاد حق انحلال مجلس برای سلطان تغییر دهد (رک: شاو و شاو، ۱۳۷۰، صص. ۴۹۰-۴۹۱؛ Zurcher, 2004). در این دوره تاریخی اقتدار مطلقه کمیته آغاز شد.

در واکنش به اقتدار مطلقه کمیته اتحاد و ترقی، تعدادی از افسران لیبرال گروهی را به نام افسران آزادی‌خواه^{۱۱} با هدف پایان دادن به دیکتاتوری کمیته اتحاد و ترقی بخش تشکیل دادند. این افسران با همکاری اتحاد لیبرال علیه دیکتاتوری کمیته اتحاد و ترقی استراتژی خشونت‌آمیز انتخاب کردند. تحت فشار این دو گروه، سعید پاشا و تعدادی از اعضای کمیته اتحاد و ترقی در کابینه در ۱۷ ژوئن ۱۹۱۲ م استعفا کردند و دولت اتحاد و ترقی سقوط کرد. به دنبال آن، سلطان محمد رشاد، غازی احمد مختار را به جای سعید پاشا به صدراعظمی برگزید. این صدراعظم کوشید اعضای از کابینه را که با کمیته اتحاد و ترقی ارتباط داشتند، عزل کند (رک: شاو و شاو، ۱۳۷۰، ص. ۴۹۱). در ادامه اصلاح ماده ۳۵ قانون اساسی که در دوره تسلط کمیته بر پارلمان تصویب شده بود، به تأیید سنا برساند. به استناد این اصلاحیه قانون، سلطان مجلس را برای بار دوم منحل کرد. در ۵ اوت ۱۹۱۲ انتخابات پارلمان دوباره برگزار شد.

حزب اتحاد لیبرال و گروه افسران آزادی‌خواه که مصمم بودند کمیته را در قدرت سهیم نکنند، سلطان را مجبور کردند به جای احمد مختار، کامل پاشا به‌عنوان صدر

اعظم منصوب کند (شاو و شاو، ۱۳۷۰، ص. ۴۹۶؛ امامی خوبی، ۱۳۹۵، ص. ۱۵۵).
کامل پاشا اعضای کمیته را بازداشت و زندانی کرد. دولت کامل پاشا قرارداد صلح
تحمیلی ارائه شده در لندن را در ۱۶ دسامبر ۱۹۱۲ پذیرفت.

در واکنش به این تصمیم دولت، کنشگران سیاسی کمیته اتحاد و ترقی، استراتژی
خشونت را انتخاب کردند. آنان با این بهانه که مبدا کامل پاشا، وزیر اعظم، تصمیم
بگیرد شهر ادرنه را در مقابل دستیابی به صلح از دست بدهد، از طریق ائتلاف با
نظامیان طرح یک کودتا را علیه حکومت سامان دادند (Feroz, Shaw & Shaw, 2002).
۱۹۹۳). کمیته در ۲۳ ژوئن ۱۹۱۳ حرکت معروف حمله به بابعالی را انجام داد. انور^{۴۲}
گروهی از نظامیان را به داخل عمارت بابعالی نفوذ داد. این گروه به طور ناگهانی جلسه
هیئت وزیران را مورد حمله قرار داد و کامل پاشا را مجبور به استعفا کردند. جمال بیگ،
فرمانده لشکر اول، در استانبول مستقر شد و اعلامیه صلح جویانه را منتشر کرد و از همه
گروه‌ها تقاضای همکاری کرد. او وعده داد که همه گروه‌های سیاسی می‌توانند تا زمانی
که از قوانین تخطی نکنند، به فعالیت خود ادامه دهند. انور از سلطان تقاضا کرد دولتی
مرکب از همه احزاب زمام امور را به دست گیرد. به همین دلیل در ژانویه ۱۹۱۳
محمود شوکت پاشا، وزیر اعظم شد و مأموریت یافت که برای حفظ تراکیه شرقی از
هیچ کوششی دریغ نکند (رک: شاو و شاو، ۱۳۷۰، ص. ۴۹۸؛ امامی خوبی، ۱۳۹۵، ص.
۱۵۵). در دولت محمود شوکت سه وزیر از حزب وحدت‌طلبان نیز وجود داشت.

در این زمان امپراتوری عثمانی بار دیگر فشار خارجی را تجربه کرد و در سوم
فوریه بمباران ادرنه از سر گرفته شد. در این شرایط بلغارها مبارزه‌ای آغاز کردند که طی
آن هزاران تن از روستاییان ترک در تراکیه قتل عام و صدها تن دیگر آواره شدند. این
امر ناتوانی حکومت را از پشتیبانی از جنگ تشدید می‌کرد. بلغارها در ۱۸ تا ۳۰ مارس
۱۹۱۳ به چتالجه^{۴۳} حمله کردند. محمود شوکت به دلیل ضعف مالی از بازسازی ارتش
ناتوان بود. در ۲۸ مارس، ادرنه^{۴۴} از فشار قحطی و گرسنگی تسلیم شد. پیش از این در
۶ مارس یائینا^{۴۵} به دست یونانیان سقوط کرده بود. اسکودار^{۴۶} در ۲۲ آوریل ۱۹۱۳
سقوط کرد. سرانجام سلطه عثمانی در اروپا به جز استانبول خاتمه یافت. در این احوال
در ۳۱ مارس ۱۹۱۳ محمود شوکت مجبور شد پیشنهاد متارکه دهد و با شرایط صلح

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران: مطالعه... علی ساعی و همکار

قدرت‌های خارجی موافقت کند. در ۱۶ آوریل ۱۹۱۳ آتش‌بس برقرار شد و در ۳۰ مه ۱۹۱۳ مذاکرات صلح از سر گرفته شد. ده روز بعد معاهده صلح لندن به امضا رسید (شاو و شاو، ۱۳۷۰؛ Feroz, 1993). با امضای معاهده صلح مداخله کنشگر خارجی در این زمان به پایان رسید.

دوباره چرخه خشونت تکرار شد. کنشگران اتحاد لیبرال در واکنش به انعقاد معاهده لندن و کودتا علیه دولت کامل پاشا، استراتژی خشونت‌آمیزی را علیه کنشگران کمیته اتحاد و ترقی انتخاب کردند. مصداق این استراتژی ترور محمود شوکت، وزیر اعظم، در میدان بایزید توسط اتحاد لیبرال بود. شواهد تاریخی نشان می‌دهد در واکنش به واقعه ترور شوکت، جمال پاشا^۷ در پایتخت اعلام حکومت نظامی کرد و کمیته اتحاد و ترقی پس از قتل شوکت نظارت کامل حکومت را در دست گرفت. یک دادگاه نظامی ۱۶ تن از رهبران اتحاد لیبرال را محاکمه و آنان را به مرگ محکوم کرد (Zurcher, 2004). به دنبال آن، کمیته اتحاد و ترقی دیکتاتوری تک‌حزبی را از ۱۲ ژوئن ۱۹۱۳ آغاز کرد.

به‌عنوان یک نتیجه می‌توان گفت گزاره‌های مشاهده‌ای تجربی دلالت بر آن دارد که نوع مناسبات نخبگان سیاسی حاکم و نظامیان و کنشگران خارجی به فرایند بازگشت به اقتدارگرایی منجر شده است؛ به این معنا که مناسبات سرکوب‌گرایانه میان نخبگان سیاسی در ترکیب با دو شرط علی‌عاملیت کنشگران خارجی و عاملیت کنشگران نظامی، به نتیجه، بازگشت به اقتدارگرایی، منجر شد.

در باب ایران باید گفت موج اول اقتدارگرایی نتیجه ترکیب شرط علی‌استراتژی سرکوب‌گرایانه محافظه‌کاران سلطنت‌طلب و مداخله نظامیان در سیاست داخلی و حمایت نخبگان مذهبی از اقتدارگرایان و مداخله سیاسی نظامی نیروهای خارجی است.

عاملیت کنشگران سیاسی و مذهبی: کنشگران سیاسی در این دوره را می‌توان در سه گروه تقسیم بندی کرد: ۱. میانه‌روها؛ ۲. تندروها یا آزادی‌خواهان؛ ۳. محافظه‌کاران یا سلطنت‌طلب‌ها (ساعی، ۱۳۹۷، ص. ۱۳۱). استراتژی نخبگان سلطنت‌طلب در زمینه اجتماعی موج اول بازگشت به اقتدارگرایی سرکوب‌گرایانه بود. شاه در سال ۱۲۸۶ش /

۱۹۰۷م امین سلطان ضد مشروطه را به‌عنوان صدر اعظم برگزید. در واکنش به تصمیم شاه، صدر اعظم توسط مخالفان ترور شد.

این شرایط فرصت مناسبی را برای کنشگران سیاسی مشروطه‌خواه در مجلس فراهم آورد که توانستند متمم قانون اساسی را در ۱۵ مهر ۱۲۸۶ به امضای شاه برسانند. بر اساس متمم قدرت قانونگذاری مجلس افزایش و اختیارات شاه کاهش یافت. آزادی‌خواهان درصدد انجام اصلاحات بیشتری برآمدند. در اکتبر ۱۹۰۷ از طریق مصوبه مجلس هزینه‌های دربار قطع شد، مستمری و حقوق شاهی کاهش یافت و سوء استفاده در گردآوری مالیات و تیولداری بر زمین ملغی شد. برنامه اصلاح‌طلبان به بحرانی شدن رابطه محمدعلی شاه و مشروطه‌خواهان منجر شد. در واکنش به اقدامات مشروطه‌خواهان، شاه در ۲۱ خرداد ۱۲۸۷ اعلام حکومت نظامی کرد. بازاریان در اعتراض به حکومت نظامی، بازار را تعطیل کردند و طرفداران مشروطه در بهارستان گرد آمدند. زمینه برای انحلال مجلس فراهم شد. سلطنت‌طلبان در اوایل دی ۱۲۸۶ش / ۱۹۰۷م با شیخ فضل‌الله نوری، به‌عنوان یکی از مصادیق نخبگان مذهبی، علیه مشروطه‌خواهان ائتلاف کردند. محافظه‌کاران از طریق این ائتلاف جمعیت انبوهی از مردم را به خیابان‌ها آوردند. در این شرایط علاوه بر نخبگان مذهبی، نخبگان اجتماعی نیز مانند رحیم خان به‌عنوان رئیس ایل شاهسون در آذربایجان و امیر مفخم به‌عنوان رئیس بختیاری‌های حاجی ایلخانی، از شاه و سلطنت‌طلبان حمایت کردند. در پرتو ائتلاف میان محافظه‌کاران و نیروهای اجتماعی و مذهبی مخالف مشروطه، محمدعلی شاه توانست در دوم تیر ۱۲۸۷ش / ۱۹۰۸م با هزار نفر نیروی قزاق ایرانی به فرمان افسران روسی، بهارستان و مسجد سپهسالار را محاصره کند و مجلس را به فرماندهی لیاخوف روسی به توپ ببندد (رک: فوران، ۱۳۷۷؛ آبراهامیان، ۱۳۸۵). شاه لیاخوف را به‌عنوان فرماندار نظامی پایتخت منصوب کرد. در ادامه او تمام انجمن‌ها و اجتماعات عمومی را ممنوع کرد و مجلس ملی را در تاریخ ۲ تیر ۱۲۸۷ / ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ منحل کرد. همچنان که پیش‌تر گفته شد، او بسیاری از رهبران ملی و مخالفان خود را سرکوب و تمامی قوانین سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۷ را ملغی کرد (رک: فوران، ۱۳۷۷؛ آبراهامیان، ۱۳۸۵؛ اتحادیه، ۱۳۶۱، ص. ۱۷۹).

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران: مطالعه... _____ علی ساعی و همکار

عاملیت کنشگران نظامی: درخصوص مداخله نظامیان در سیاست در این دوره تاریخی باید گفت به رغم تلاش اصلاح طلبانی مانند امیرکبیر برای نوسازی ارتش، ایران در دوره قاجار فاقد نیروی نظامی و ارتش مدرن بود. شاهان قاجار معمولاً از ارتش‌های محلی خونین در مواقع جنگ استفاده می‌کردند. در اواخر دوره قاجار ارتش توسط خارجی‌ها و با حضور مستشاران نظامی آنان تشکیل می‌شد. بریگاد قزاق زیر نظر و تحت امر روس‌ها، پلیس جنوب زیر نظر و تحت امر انگلیسی‌ها و ژاندارمری زیر نظر افسران سوئدی و اتریشی. بنابراین، ایران در این دوره فاقد ارتش مستقل و مدرن بود. به همین دلیل نظامیان نقش نهادی در سیاست نداشتند. محمدعلی شاه کودتای نظامی علیه مشروطه‌خواهان را تحت فرماندهی افسران روسی انجام داد.

عاملیت کنشگران خارجی: عاملیت کنشگران خارجی در واقعه اولین بازگشت به اقتدارگرایی در ایران به دو طریق قابل تحلیل است: تحمیل قرارداد و مداخله در نهاد نظامی. کنشگران خارجی، روسیه و انگلستان، در ۹ شهریور ۱۲۸۶ طبق قرارداد ۱۹۰۷م/ ۱۲۸۶ش ایران را به مناطق تحت نفوذ خود تقسیم کردند (فوران، ۱۳۷۷، ص. ۲۶۳). زمانی که برنامه اصلاح طلبان به بحرانی شدن رابطه محمدعلی شاه و مشروطه‌خواهان منجر شد، کنشگران خارجی، سفیر روسیه و کاردار بریتانیا، هشدار دادند که اقدامات ضدسلطنت را تحمل نخواهند کرد. در چنین شرایطی مداخله نیروهای خارجی در سیاست داخلی صورت گرفت و شاه از حمایت نیروهای خارجی برخوردار شد. علاوه بر آن حضور فرماندهان نظامیان روسی در نیروی بریگاد قزاق ایران و انتخاب لیاخوف به‌عنوان فرماندار نظامی پایتخت، موقعیت شاه و محافظه‌کاران را تقویت کرد.

در نتیجه می‌توان گفت موج اول بازگشت به اقتدارگرایی در ایران ثمره ترکیب سه شرط علی سرکوب خشونت‌آمیز توسط محافظه‌کاران و مداخله نیروهای خارجی و نیروهای نظامی تحت حمایت کنشگران خارجی در فرایندهای سیاسی است.

مقایسه واحدهای تحلیل: به لحاظ روش‌شناسی تحلیل تطبیقی نوع خاصی از تبیین است که تفاوت‌ها و شباهت‌های میان واحدهای تحلیل را برجسته می‌کند. شواهد تاریخی ناظر بر واقعه بازگشت به اقتدارگرایی در دو کشور نشان می‌دهد که در این دوره کنشگران خارجی در ترکیه نقش غیرمستقیم در بازگشت به اقتدارگرایی داشته‌اند. به این

معنا که کنشگران خارجی قرارداد صلح لندن را به ترکیه عثمانی تحمیل کردند. این قرارداد از طریق تغییر مناسبات کنشگران داخلی، فرایند بازتولید اقتدارگرایی را در ترکیه تسهیل کرد. در ایران کنشگران خارجی هم مستقیم و هم غیرمستقیم نقش فعال در بازگشت به اقتدارگرایی داشتند. قرارداد تحمیلی ۱۹۰۷م، به توپ بستن مجلس با فرماندهی بریگاد قزاق، لیاخوف روسی و حمایت سفارت روسیه و انگلستان از شاه مصداق‌هایی از مداخله مستقیم و غیرمستقیم کنشگران خارجی هستند. در ترکیه عامل مداخله نظامیان در سرکوب شورشیان اسلام‌گرا در ۱۹۰۹م به تقویت دموکراتیزاسیون منجر شد، اما در ۱۹۱۳م از طریق کودتای ۱۹۱۳م به بازگشت کمک کرد. تحلیل ما آن است که مداخله نظامیان در سیاست در ۱۹۱۳م از طریق ترکیب با عامل مداخله کنشگران خارجی به معلول، بازگشت به اقتدارگرایی، منجر شد؛ در حالی که در ۱۹۰۹م عامل خارجی غایب بود و دموکراتیزاسیون از سوی نیروهای مذهبی داخلی تهدید شده بود. بازگشت به اقتدارگرایی در ترکیه در زمان جنگ طرابلس و بالکان رخ داد. در اینجا تفسیر ما آن است که زمانی که یک کشور در شرایط جنگی قرار گیرد، در این صورت ضرورت دفاع از کشور ممکن است به تغییر مناسبات کنشگران داخلی منجر شود. مداخله سیاسی - نظامی کنشگران خارجی و نوع انتخاب‌های استراتژیک کنشگران داخلی در واکنش به آن در ترکیب با نوع و کیفیت عاملیت نظامیان می‌تواند به نتیجه معین، اقتدارگرایی یا دموکراتیزاسیون منجر شود.

برعکس ترکیه عثمانی، در ایران جنگ نبود، بلکه کشور توسط کنشگران خارجی از طریق تحمیل قرارداد ۱۹۰۷م اشغال شد و کنشگران خارجی از طریق حضور در فرماندهی نظامی، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، فرایند بازگشت به اقتدارگرایی را در ایران تسهیل کردند. باید توجه داشت که تفاوت نقش، جایگاه و قدرت نظامیان در ترکیه و ایران سبب واکنش‌های متفاوت در این مقطع در دو کشور شد. در ترکیه نظامیان به‌منزله یک نهاد مدرن و مستقل نقش مهمی در حیات سیاسی ترکیه عثمانی داشتند. در این زمان ایران نه‌تنها فاقد ارتش مدرن و نهادی به معنای امروزی آن بود، بلکه نیروهای نظامی تحت فرماندهی نیروهای خارجی سازمان‌دهی شده بود که کنشگران سیاسی اقتدارگرا از آن به‌عنوان ابزاری برای سرکوب مشروطه‌خواهان استفاده کردند. تفاوت دیگر در نوع

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران: مطالعه... علی ساعی و همکار

کنشگران اقتدارگرا در دو کشور است. در ترکیه بازگشت به اقتدارگرایی از طریق عاملیت اصلاح‌طلبانی مانند کمیته اتحاد و ترقی رخ داد. اما در ایران بازگشت به اقتدارگرایی از طریق کنشگران اقتدارگرایی مانند شاه صورت گرفت. تفاوت دیگر در ماهیت بازگشت به اقتدارگرایی در دو کشور است. اقتدارگرایی که ترکیه عثمانی تجربه کرد مبتنی بر حفظ نهاد مجلس، قانون اساسی و انتخابات بود، در حالی که در ایران بازتئیت رژیم اقتدارگرا همراه با حذف نهادهای دموکراتیک مانند قانون اساسی، مجلس و قوانین مصوب آن و سرکوب مشروطه‌خواهان بود.

نتیجه

شواهد تجربی این پژوهش دلالت بر آن دارد که بازگشت به اقتدارگرایی در ترکیه و ایران از طریق ترکیب شرط‌های علی استراتژی سرکوب‌گرایانه میان کنشگران سیاسی و مداخله خشونت‌آمیز نظامیان در فرایندهای سیاسی و نیز مداخله سیاسی - نظامی کنشگران خارجی در سیاست داخلی رخ داده است.

جدول ۴: ترکیب شرط‌های علی

کشور	عاملیت کنشگران سیاسی		عاملیت نظامیان		عاملیت کنشگران خارجی		نتیجه
ترکیه	استراتژی سرکوب‌گرایانه	+	مداخله	+	جنگ تحمیلی و اشغال	+	موج بازگشت اقتدارگرایی
ایران	استراتژی سرکوب‌گرایانه	+	مداخله	+	قرارداد تحمیلی و اشغال	+	موج بازگشت اقتدارگرایی

در تحلیل نقش نظامیان در فرایند دموکراتیزاسیون باید به کیفیت و زمینه اجتماعی مداخله آنان توجه کرد. داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در ترکیه عثمانی، نظامیان در سال ۱۹۰۹م در سیاست مداخله کردند، با این حال این مداخله برای سرکوب شورش علیه حکومت مشروطه و در حمایت از دموکراتیزاسیون بود. در حالی که در ایران مداخله نظامی در سیاست بازگشت به اقتدارگرایی را در سال ۱۹۰۸م تسهیل کرد. در اینجا باید گفت کیفیت مداخله نظامی در ایران با ترکیه متفاوت بوده است. در ترکیه

عثمانی نظامیان نقش نهادی ایفا می‌کردند و در ایران نظامیان فاقد نقش نهادی در فرایند دموکراتیزاسیون بودند. مداخله نظامیان در ایران در ترکیب با وابستگی آنان به کنشگران خارجی قابل فهم است. این مهم‌ترین دستاورد این پژوهش است که نشان می‌دهد عاملیت نظامیان بر حسب زمینه اجتماعی تفاوت می‌پذیرد. اساساً اگر نهاد نظامی تابع قانون اساسی دموکراتیک و تحت کنترل نخبگان غیرنظامی^{۴۸} باشد، این نهاد نمی‌تواند خطر ساختاری برای دموکراتیزاسیون داشته باشد. نقش مثبت یا منفی نظامیان برای دموکراتیزاسیون در پرتو استقلال سازمانی^{۴۹} و نقش نهادی آن‌ها قابل فهم است.

در باب سازگاری نتیجه این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های پیشین مانند پژوهش هانتینگتون و ساعی باید گفت هم در این پژوهش و هم در پژوهش هانتینگتون نقش استراتژی‌های مصالحه، پیمان، انتخابات، ائتلاف و مذاکره در سرنوشت دموکراتیزاسیون مهم هستند. تفاوت در اینجا است که نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که علاوه بر تأیید اهمیت استراتژی‌های نخبگان، این استراتژی‌ها در میان نظامیان نیز در پژوهش ما برجسته‌ترند. در مقایسه با پژوهش ساعی می‌توان گفت در پژوهش او به نقش نظامیان پرداخته نشده است. با این حال داده‌های ناظر بر الگوی مناسبات کنشگران سیاسی در هر دو پژوهش نتایج مشابهی تولید کرده‌اند.

در باب دلالت عملی این پژوهش باید گفت از یافته‌های این تحقیق می‌توان الهام گرفت و برای موفقیت دموکراتیزاسیون راه عملی گشود. تلاش برای دموکراتیزاسیون باید بر فهم آن به مثابه امری درون‌زایی باشد. اساساً موفقیت دموکراتیزاسیون و نوع آن به نوع عاملیت نخبگان سیاسی و موازنه قدرت میان نیروهای سیاسی وابسته است. نظامیان در شرایطی می‌توانند فرایند دموکراتیزاسیون را تسهیل کنند که تحت نظارت نخبگان غیرنظامی باشند. مداخله نظامی در حوزه سیاسی باید کنترل شود و عاملیت نظامیان به نقش نهادی آنان در باب موضوعات مربوط به امور نظامی، تأمین امنیت ملی و دفاع از مرزهای کشور محدود شود.

در پایان باید گفت یکی از نقاط قوت این کار، مطالعه تطبیقی دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران و بود که به کشف تمایزات و مشابهت‌های این دو کشور در امر دموکراتیزاسیون کمک کرد. نقطه قوت دیگر آن به جای تمرکز بر نخبگان سیاسی بر

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران: مطالعه... علی ساعی و همکار

مجموعه‌ای از کنشگران تأکیده کرده است. با این حال، این پژوهش مانند هر کار علمی دیگر نیازمند نقد است. دموکراتیزاسیون در ایران همچنان شکننده و نیازمند پژوهش‌های علمی بیشتر است. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده علاوه بر عاملیت کنشگران، عامل مذهب نیز در تبیین دموکراتیزاسیون وارد شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. برنامه پژوهشی علی ساعی (در دست چاپ)، با عنوان مطالعه تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه از سال ۱۸۳۹ تا ۲۰۲۰.

۲. موج اول بازگشت به اقتدارگرایی در ترکیه عثمانی در زمان سلطان عبدالحمید دوم با انحلال پارلمان در ۱۸۷۸ رخ داده است، اما در این پژوهش لحظه بحرانی را ۱۹۰۸م در نظر گرفته‌ایم، به همین دلیل از کلمه موج اول در ترکیه عثمانی استفاده شده است.

3. contribution
4. Zurcher
5. Graeme Gill
6. Huntington
7. Lipset
8. Diamond
9. Inglehart
10. Vanhanen
11. Rustow
12. Standpatters
13. Reformers
14. democratic moderates
15. radical extremists
16. transformations

۱۷. منظور از نقش نهادی نظامیان وظایف قانونی مربوط به موضوعات نظامی، تأمین امنیت ملی و دفاع از مرزهای کشور، است.

18. internation pressure
19. violent intervention
20. establishment
21. realization
22. case - oriented
23. variable - oriented
24. conjunctural causation
25. binary data
26. truth table
27. Muge Aknur
28. Ergun Ozbudun, and Omer Genckaya

29. Zurcher, Erik j

30. common system factors

۳۱. موج اول دموکراتیزاسیون در سال ۱۸۷۶م رخ داده بود.

۳۲. «کسانی را که اخلال در امنیت حکومت کرده و موافق تحقیقات موثقه اداره طبیطیه، جنایت آنها محرز باشد از ممالک شاهانه تبعید نماید» (حضرتی، ۱۳۸۹، ص. ۱۷۷).

۳۳. فرمانده لشکر اول در استانبول (شاو و شاو، ۱۳۷۰: ۴۹۸)

۳۴. مدیر مسئول روزنامه روح القدس در عصر مشروطه.

35. conjectural combination

36. causal condition

37. The Logical OR

38. The Logical AND

۳۹. در سال ۱۹۰۷ این گروه به رهبری خواهرزاده سلطان عبدالحمید تشکیل شد و بعد از انقلاب ترکان جوان به عنوان تنها گروه مخالف با کمیته اتحاد و ترقی فعالیت می کرد (شاو و شاو، ۱۳۷۰).

40. the Tripolitanian war and the Balkan war

41. The liberating officers

۴۲. انور از اعضای کمیته اتحاد و ترقی و از افسران عالی رتبه ارتش بود.

43. Catalca

44. Edirne

45. Janine

46. Isjcodra

۴۷. فرمانده لشکر اول در استانبول (شاو و شاو، ۱۳۷۰، ص. ۴۹۸)

48. civilian control over the military

49. autonomy of the military establishment

منابع

آبراهامیان، ی. (۱۳۸۵). *ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی*. ترجمه ک.

فیروزمند، ح. شمس آوری، و م. مدیرشانه‌چی. تهران: نشر مرکز.

ابوذری لطف، م. (۱۳۹۸). *مطالعه تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه ۱۹۰۶-۱۹۲۵*.

پایان نامه دکتری علوم سیاسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

اتابکی، ت.، و زورخر، ا. ی. (۱۳۸۵). *تجدد آمرانه: جامعه و دولت در عصر رضاشاه*. ترجمه م. حقیقت خواه. تهران: ققنوس.

اتحادیه، م. (۱۳۶۱). *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره اول و دوم مجلس*

شورای ملی). تهران: گستره.

امامی خوبی، م. ت. (۱۳۹۵). *تاریخ امپراطوری عثمانی*. تهران: سمت.

تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ترکیه و ایران: مطالعه... _____ علی ساعی و همکار

- انتخابی، ن. (۱۳۹۵). دین، دولت و تجدد در ترکیه. تهران: هرمس.
- بشیری، ح. (۱۳۸۶). گذار به مردم‌سالاری (گفتارهای نظری). تهران: نگاه معاصر.
- حضرتی، ح. (۱۳۸۹). مشروطه عثمانی. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- ساعی، ع. (۱۳۹۷). دموکراتیزاسیون در ایران. تهران: آگاه.
- ساعی، ع. (۱۳۹۲). روش پژوهش تطبیقی با رویکرد تحلیل کمی، تاریخی و فازی. تهران: آگاه.
- ساعی، ع.، غفاری، م.، و مقدس، ا. (۱۳۹۶). تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه: مطالعه مرحله تثبیت دموکراتیک با تأکید بر عامل احزاب سیاسی (۱۹۸۰-۲۰۰۹). *جامعه‌شناسی تاریخی*، ۲، ۹۹-۱۳۱.
- شجیعی، ز. (۱۳۷۲). *نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی*. تهران: سخن.
- شاو، ا. ج.، و شاو، ا. ک. (۱۳۷۰). *تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه مدرن*. ترجمه م. رمضان‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.
- فوران، ج. (۱۳۷۷). *مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران*. ترجمه ا. تدین. تهران: رسا/نشر مرکز.
- رابینسون، ر. (۱۳۵۷). *جمهوری اول ترکیه*. ترجمه ا. امینی. تهران: فرانکلین.
- هانتینگتون، س. (۱۳۹۴). *موج سوم دموکراسی*. ترجمه ا. شهسا. تهران: روزنه.
- همایون کاتوزیان، م. ع. (۱۳۸۱). *تضاد دولت و ملت نظریه تاریخ و سیاست در ایران*. ترجمه ع. ر. طیب. تهران: نشر نی.
- همایون کاتوزیان، م. ع. (۱۳۷۹). *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*. ترجمه م. ر. نفیسی، و ک. عزیزی. تهران: نشر مرکز.
- همایون کاتوزیان، م. ع. (۱۳۹۱). *دولت و جامعه در ایران، انقراض قاجار و استقرار پهلوی*. ترجمه ح. افشار. تهران: نشر مرکز.
- همایون کاتوزیان، م. ع. (۱۳۹۷). *ایرانیان دوره باستان تا دوره معاصر*. ترجمه ح. شهیدی. تهران: نشر مرکز.
- یاغی، ا. ا. (۱۳۸۳). *دولت عثمانی اقتدار تا انحلال*. ترجمه ر. جعفریان. تهران: مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.

Aknur, M. (2012). *Democratic Consolidation in Turkey: State, Political Parties, Civil Society, Civil-Military Relations, Socio-Economic Development*. EU, Rise of Political Islam and Separatist Kurdish Nationalism, Boca Raton, Florida, USA.

Diamond, L., & Morlino, L. (2004). *The Quality of Democracy*, Stanford University. Available at <http://cddr.stanford.edu>.

- Feroz, A. (1993). *The making of modern Turkey*. London and New York
- Gill, G. (2000). *The Dynamics of Democratization*. New York: MACMILLAN PRESS LTD.
- Higley, J., & Burton, M. G. (1987). Elite Settlements. *American Sociological Review*, 52, 3, 295-307.
- Huntington, S. P. (1993). *The Third Wave: Democratization in the Late Twentieth Century, The third wave: Democratization in the late twentieth century* (Vol. 4). University of Oklahoma press.
- Inglehart, R., & Welzel, Ch. (2005). *Modernization, Cultural Change, and Democracy, The Human Development Sequence*. Cambridge University Press
- Karl, T. L. (1990). Dilemmas of Democratization in Latin America. *Comparative Politics*, 23, 1, 1-21.
- Karl, T. L., & Schmitter, Ph. C. (1991). Modes of transition in Latin America, Southern and Eastern Europe. *International social science journal*, 43 (2), 269-284, Blackwell Publishers Ltd.
- Kayali, H. (1995). Elections and the Electoral Process in the Ottoman Empire, 1876-1919. *International Journal of Middle East Studies*, Cambridge University Press.
- Lipset, S. M. (1994). The Social Requisites of Democracy Revisited, in *American Sociological Review*, Albany, Vol. 59.
- Ozbudun, E., & Genckaya, O. F. (2009). *Democratization and the Politics of Constitution-Making in Turkey*. Central European University Press.
- Ragin, C. Ch. (1989). *The Compative Method*. Univercity of California.
- Rustow, D.A.(1970). *Transitions to democracy: Toward a dynamic model*. *Comparative politics*, 2(3), 337-363.
- Saei, A. (2021). *A Comparative Analysis of Democratization in Turkey and Iran, 1839-2020*. Tarbiat Modares University (publishing).
- Shaw, S. j., & Shaw, E. K. (2002). *History of the Ottoman Empire and Modern Turkey*: Cambridge Universiti Press.
- Vanhanen, T. (2003). *Democratization: A Comparative Analysis of 170 Countriress*. Routledge.
- Zurcher, E. j. (2004). *Turkey: A Modern History*. Palgrave Macmillan

A Comparative Analysis of Democratization in Turkey and Iran: A Case Study of the First Wave of Authoritarianism (1906-1913)

Ali Saei^{*}, Marzieh Abouzari-Lotf[†]

Received: 19/08/2019 Accepted: 07/09/2019

Abstract

This study compares democratization in Iran and Turkey during the periods from 1906 to 1913. We show that Iranian and Ottoman society experienced the wave of democratization in 1906 and 1908 respectively. We argue that although Iran and Turkey established some fundamental requirements of democratic system such as parliamentary election, Majlis and constitutional law, after a very short time, the countries returned to authoritarianism. Our argument is that the dynamics of the authoritarianism revolve around strategic interactions between the military actors and political elites in the regime and the foreign powers. The strategic choices made by these groups determined the main process of the authoritarianism. This study uses comparative historical analysis. Methodologically, the comparative historical analysis focuses on both historically interpretive and causally analytic. The findings indicate that the return to authoritarianism in Iran and Turkey is a result of the combination of three causal conditions, the suppressive strategy of political actors such as the dissolution of parliament or the dissolution of opposition parties and the military intervention in politics (military coup or martial law or military suppression: kill or arrest) and the political-military intervention of foreign actors in domestic politics such as support for the authoritarian regime or the dissolution of parliament or the suppression of internal actors: kill or arrest.

Keywords: democratization; democratic transition; return to authoritarianism; political actors; military actors and foreign actors.

-
1. Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding author) E-mail: saeia@modares.ac.ir
 2. Ph.D in Political Science, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

